

نویسنده : کریستیان نیف  
مترجم : داکتر عبدالحنان روستائی  
المان، 4 جنوری 2009

**یادداشت مترجم :** این مقاله که در مورد فروش معدن مس عینک لوگر نوشته شده، در شماره 52 مؤرخ 19 دسمبر 2009 مجله اشپیگل المان انتشار یافته است. اصل نوشته به زبان المانی تحت لینک ذیل قابل دریافت است :

<http://www.spiegel.de/spiegel/0,1518,668292,00.html>

اینک مضمون فوق به دری ترجمه شده و خدمت خوانندگان ارجمند ارائه می گردد.

## رؤیای مس عینک

افغانستان بیچاره؟ این کشور مقادیر عظیم سنگ های معدنی را صاحب است که اینک می خواهد آنها را به فروش برساند. حالا مزائیده روان است و مناقصه کنندگان از هر جانب هجوم آورده اند که در جمع آنها تا حال چین برنده این معامله می باشد. ولی سؤال در اینست که حاصل این فروش به جیب کی می ریزد؟



### منابع معدنی افغانستان یا منابع فساد و پول :

آیا این کوه خشک که در برابر چشمان شما قرار دارد، 80 ملیارد دالر ارزش دارد؟ این کوه مثل سایر کوه های افغانستان به نظر می رسد یعنی بدون درخت و بنه بوده تنها از جفله های زرد رنگ نصولی ساخته شده است. اما در بالای این کوه، مانند قله های دگر آن خیمه ای زده شده و عساکر با اسلحه از آن محافظت می نمایند. در دامنه این کوه ها بیرقک های سرخ و سفید جلب توجه می کنند که رنگ سرخ آن مناطق ماین گزاری شده را و رنگ سفید ساحه های پاک شده از ماین را نشان می دهند.

امنیت منطقه عینک لوگر را 1500 سپاهی اردوی افغانستان تأمین می کند که در سه کمر بند امنیتی جا بجا شده اند. منطقه عینک را یک سرک خامه به طول 17 کیلو متر به سرک قیر کابل - گردیز وصل می کند. در طول این سرک خامه چندین نقطه تفتیش ساخته شده است. دلیل این همه کنترول واضح است، با آنکه عینک فقط حدود 100 کیلو متر از کابل فاصله دارد. و آن اینکه طالبان قبلاً این جا قرارگاه خود را جور کرده و مغاره ها و صوف هائی را در درون کوه

حفر کرده اند که طول آنها به سه کیلو متر می رسد. با آنکه طالبان با حمله آمریکا بر افغانستان، این منطقه را ترک کرده اند، با آنهم این ولایت پشتون نشین نا امن می باشد. در ماه جولای در بین سرک کابل - گردیز بر اثر انفجار یک موتر لاری 25 نفر شهید شد که در بین آنها اطفال نیز وجود داشت. در جریان انتخابات در قراء و قصبه های منطقه شبنامه هائی از طرف جنگسالار خوفناک جنگ های داخلی یعنی گلبدین حکمتیار که هنوز در این ساحه نفوذ دارد، پخش گردید.

### **عینک یا تجسمی از پیشرفت، خوشبختی و ثروت :**

با آنکه اوضاع امنیتی مغشوش و وضع رئیس جمهور بعد از انتخابات خراب است و طالبان در حال پیشروی جانب شمال اند، با آنهم عینک، افغانستان دگری را تجسم می دهد. یعنی تجسمی از پیشرفت اقتصادی، خوشبختی و ثروت، چیزی که در حال حاضر هیچ کس آنرا نمی تواند با نام افغانستان پیوند بزند. در این رابطه عتیق الله لودین والی لوگر اظهار داشت :

" عینک امکانات آنرا فراهم آورده که ما خود را از فقر نجات دهیم و بیشتر از این به خیرات کشور های خیر دهنده وابسته نباشیم. "

عینک نام بزرگترین معدن مس جهان است که دارای 700 میلیون تن سنگ مس می باشد و هنوز مورد استخراج قرار نگرفته است. مهمترین سنگ مس عینک منرال ملاخیت (منرال سبز رنگیست که مقدار مس آن تا 57 در صد می رسد و یکپیدی، مترجم) است که مقدار مس آن بالا تر از مقدار مس بزرگترین معدن مس در چیلی است. عینک نه تنها بزرگترین پروژه استخراج معدن در افغانستان است که حکومت این کشور با وجود اوضاع مغشوش سیاسی و نظامی قصد اجرای آنرا دارد، بلکه به قول محمد ابراهیم عادل وزیر معادن " بزرگترین پروژه ایست که در تاریخ این مملکت اجراء می شود و با تطبیق آن این کشور از نو تولد می یابد. "

قرار احصائیه ها افغانستان یکی از فقیر ترین کشور های جهان محسوب می گردد که مجموع عواید سالانه آن در سال 2008 به 12 میلیارد دالر بالغ گردید. به صورت مقایسه ئی المان در همان سال 314 مرتبه بیشتر از افغانستان عواید داشت. جنگ بی سر انجام افغانستان یک واقعیت را که از ده ها سال به این طرف آشکار گردیده به دست فراموشی سپرد و آن اینکه : **افغانستان غنی از منابع معدنیست.**

### **تا حال حتی خط ریل وجود ندارد :**

علاوه بر مس افغانستان دارای معادن زغال سنگ در بامیان، نفت و گاز در شمال در ساحه شبرغان، سرب، جست، طلا، نقره، سنگ ریشه، ابرک، سلفر و بریل می باشد. همچنان معدن پر آوازه آهن افغانستان که در 130 کیلو متری غرب کابل در منطقه حاجیگگ قرار دارد، بزرگترین معدن آهن آسیا می باشد. گذشته از این مهمترین معدن لاجورد جهان در بدخشان قرار دارد.

تا حال از منابع مذکور تنها از معادن زغال سنگ بامیان، گاز شبرغان و لاجورد آبی بدخشان استفاده به عمل آمده است. سایر منابع که اکثری آنها در دهه 1960 و 1970 به کمک جیالوجست های اتحاد شوروی کشف گردیده اند، دست ناخورده باقی مانده اند. دلیل عدم استخراج منابع معدنی نه تنها در جنگهای دراز مدت داخلی نهفته است، بلکه در اوضاع و احوال موقعیت طبیعی این منابع نیز پنداشته می شود.

سنگ معدنی آهن حاجیگگ که مقدار آهن آن بالاست، حدود 1,8 میلیارد تن تخمین زده شده است که در ارتفاع 3700 متر از سطح بحر در کوتل حاجیگگ قرار گرفته است. سؤال در اینجاست که چطور و از کدام طریق این سنگ معدنی را به کجا باید انتقال داد. در افغانستان نه کوره های ذوب آهن وجود دارد، نه هم خط ریل و نه هم راه بحری. یگانه خط آهنی که در سال 1923 توسط المانها ساخته شده بود پنج کیلو متر طول داشت که شهر کابل را با مرکز حکومت در دارالامان وصل می کرد و آن هم در این میانه از بین رفته است.

### **معدن مس قبلاً به چینی ها تعلق گرفته :**

حالا باید اوضاع و احوالی که در بالا تذکر یافت تغییر کند. افغانستان به قوت خود هنوز هم نمی تواند که منابع معدنی خود را خودش استخراج نماید. اما از اینکه ولع و عطش ضرورت مواد خام جهان به طور روزافزون ازدیاد می یابد، لذا افغانستان برای کانسرن های بین المللی جذاب تر شده است، با آنکه در این کشور از صلح خبری نیست و بسیاری مناطق از تسلط حکومت خارج است.

در آینده نزدیک تصمیم گرفته می شود که معدن آهن حاجیگگ را کدام کشور استخراج کند. پروژه استخراج معدن حاجیگگ که برای 80 هزار نفر زمینه کار را مساعد می سازد، سالانه برای افغانستان یک میلیارد دالر عاید خواهد آورد. علاوه بر این، استخراج دو ساحه گاز خیز در ولایت جوزجان و یک ساحه نفت خیز در ولایت سر پل به سطح بین المللی به مزایده گذاشته می شوند. و اما معدن مس در ولایت لوگر قبلاً به چینیها تعلق گرفته است.

اگر آدم به ارتفاعات منطقه لم بزرع عینک بالا رود، خود را در زمان قدیم حفریات در معادن طلای امریکای شمالی احساس می کند. به عبارت دگر عینک کلونیدیک (ساحه ایست در منطقه یاکون کانادا که در سالهای 1896-1898

هزاران نفر در هوای یافتن طلا بدانجا هجوم آوردند - مترجم) افغانستان شده است و آن اینکه در اطراف کوهستان عینک قوت های نظامی جا به جا شده اند و در بین دره چینائیاها با عجله زیاد قرارگاه خود را اعمار می کنند. بیشتر از 3000 کارگران افغانی و 70 نفر از انجیران چینائی با یونفورم نارنجی از قبل مواصلت کرده اند. اینها در اطراف کمپ یک دیوار بزرگ از سنگ و کانکریت آباد کرده، دفاتر خود را در بین کانترینر هائی متعددی جا به جا کرده و کوه هائی از وسایل برمه کاری را روی هم قرار داده و انبار کرده اند. اکنون در حال بسته کردن و ایستادن برج های برمه کاری می باشند که به کمک آنها به صورت آزمایشی تا اعماق 1500 متر برمه کاری صورت می گیرد.

تخنیکی که از آن در اینجا استفاده به عمل می آید از فابریکه ماشین سازی لیانیونگانگ از ولایت جیانگسو در نزدیکی های بحیره زرد می آید. انتقال این ماشین آلات تا عینک یک کار لوژستیک بسیار دشوار پنداشته می شود. زیرا هر کانترینری که برای دفتر در نظر گرفته شده و هر لوله برمه باید از طریق زمین از چین به ازبکستان انتقال داده شده از آنجا به ولایت بلخ برسد. بعداً از حومه مزار شریف گذشتانده شده به ارتفاع 3400 متر از سطح بحر از تونل سالنگ عبور کند تا بعد از گذر از کابل به عینک برسد.

چینائیهائی که در عینک کار می کنند خموشی اختیار کرده به دری، پشتو و انگلیسی بلدیت ندارند و دو نفر از ترجمانان آنها به سؤال ها پاسخ نگفته، پرسش کننده را به مرکز آن ها در شهر کابل راجع می سازند. مصوونیت این مرکز که در جوار شفاخانه بیلاسوم قرار دارد، با نصب تخته های فلزی بر دیوار های محوطه آن گرفته شده است. منیجر های این مرکز هم نمی خواهند به سؤال ها جواب بدهند و می گویند که برای حصول جواب به صورت تحریری باید از مرکز آنها در پیکنگ پرسان کنید.

دلیل این خموشی در آنست که زمانیکه در سال 2007 حق استخراج معدن مس عینک به مزایده گذاشته شده بود، در آن مؤسسات مختلفی از 16 کشور منجمله روسیه، اتازونی و کانادا نیز اشتراک کرده بودند. حکومت افغانستان در آن زمان موضع بلند پروازانه ای گرفته و متقاضی شده بود که سنگ مس باید در داخل افغانستان پروسس شود و نه آنچنانکه در آغاز دهه 1970 از جانب روس ها پلان شده بود که سنگ مس به صورت ابتدائی در داخل افغانستان غنی سازی شده و بعداً به خارج صادر گردد. علاوه بر این مزایده کنندگان باید متضمن گردند که یک فابریکه تولید برق با مصرف زغال سنگ، سرک، اپارتمان های رهائشی، مکاتب و کلینیک برای مردم اعمار می کنند. فقط 9 نفر از مزایده کنندگان حاضر به قبول این شرایط گردیدند که از جمله 6 مزایده کننده آفر (عرضه) مناسب ارائه نمودند، ولی یک مزایده کننده که چین باشد، نظر به رقباء بیشتری عرضه را ارائه کرد.

#### آیا افغانستان می تواند از ثروت های خود استفاده نماید؟

به قول عبدالعزیز اریب رئیس بخش مواد خام وزارت معادن، حق استخراج معدن مس را کمپنی چینائی Metallurgical Construction Corporation (MCC) به ارزش 808 میلیون دالر بدست آورد. آقای اریب می گوید :

" چینائیاها در نظر دارند که مجموعاً در این پروژه 2,9 میلیارد دالر سرمایه گذاری نمایند و این مبلغ به صورت تقریبی یک میلیارد دالر بیشتر از آفر دومی است که بلند ترین عرضه را نموده بود."

اریب که 50 ساله است از چهره اش خوشی و شمع می بارد. و اما سؤال در اینست که وعده هائی را که چینائیاها به افغانها کرده اند چقدر به حقیقت نزدیک است؟ آیا همه امور به سیاق درست پیش رفته است؟ و آیا افغانستان می تواند از ثروت های خود خودش استفاده نماید؟ امروز به هر طفل هویدا شده که چین در همه جای کره زمین دنبال خریداری مواد خام است و بزرگترین کشور مصرف کننده مس در دنیا می باشد. ظاهراً مس عینک برای چینائیاها ارزش خاص دارد. چنانکه شن هتینگ رئیس کمپنی MCC در جریان امضای قرارداد این پروژه گفت :

" پروژه مس عینک نه تنها یکی از بزرگترین پروژه هائیس که مؤسسات چینائی در سالهای اخیر آنرا طی مناقصه برده اند، بلکه سنگ بنای استراتیژی ما مبنی بر حضور چین در سطح جهان نیز می باشد."

کمپنی MCC از نظر حجم معاملات اقتصادی کمپنی های جمهوری خلق چین در ردیف 22 می آید و قبلاً در برازیل و مهمتر از آن در پاکستان سرمایه گذاری کرده است. اما تطبیق اهدافی را که این کمپنی در افغانستان در نظر گرفته به سرحد جنون می رسد.

#### "یک سرک ابریشم که آسیای میانه را به جنوب وصل می کند" :

بر اساس این پروژه در ولایت کوهستانی بامیان یک کارخانه تولید برق با مصرف زغال سنگ و ظرفیت 400 میگا وات انرژی آباد می گردد که برق آن توسط لین های با ظرفیت بزرگ به عینک رسانده می شود. حیرت انگیز تر از آن اعمار خط آهنی است که چینائیاها به افغانها وعده اعمار آنرا سپرده اند. این خط آهن از بندر حیرتان واقع در جوار آمو که با ازبکستان وصل است، آغاز گردیده از بین کوه ها به طرف کابل کشیده شده و متعاقباً رو به شرق نهاده به سرحد افغانستان و پاکستان به تورخم در پای کوتل مشهور خیبر می رسد. آقای اریب رئیس مواد خام وزارت معادن گفت :

" از نظر تاریخی این خط واقعاً یک راه ابریشم است که آسیای میانه را با جنوب این قاره وصل می کند. " و این، به وقوع پیوستن خوابیست که قبلاً چندین نسل افغانها آنرا دیده اند. آیا این رؤیا کدام وقتی عملاً به واقعیت خواهد پیوست؟ در کابل بسیاری مردم بدین باورند که چینائیا به منظور تصاحب مس عینک برای افغانها باغ های سبز و سرخ را نشان داده و بر تصمیم دولت افغانستان تأثیر گذاشته اند. این مسأله زیاد تعجب آور نیست. زیرا وزارت معادن که در جوار قصر ریاست جمهوری قرار دارد، کان رشوه و فساد است. با وجود آنکه از بابت فروش مواد خام پول های فراوانی سرازیر می شود، با آنهم مأمورین این وزارت در دفاتر حقیر و بی همه چیز نشسته و معمولاً به تماشای تلوزیون و صحبت تلفونی از طریق موبایل و یا نوشیدن چای مصروف اند. این مأمورین پاسخ سؤالی را که اکنون چه مقدار از سنگ با ارزش لاجورد استخراج می گردد، داده نتوانستند. یکی از ارکان بلند پایه این وزارت در این رابطه چنین گفت :

" برای ما معلوم نیست که واقعاً چه مقدار لاجورد در بدخشان استخراج می گردد. "

### **شاروال کابل پول های دولت را اختلاس کرده :**

از اینکه در وزارت معادن به صورت واضح در مورد اختلاس صحبت می شود، یک امر تصادفی است. حامد کوزی رئیس جمهور بعد از آنکه در نتیجه انتخابات از جانب کشور های غربی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت، اینک می خواهد خود را به حیث یک آدم پاک نمایش دهد. او اعلان کرده که گروپ مخصوصی را جهت مبارزه با فساد اداری به وجود می آورد. چنانکه سارنوالی تصدیق کرده دوسیه اختلاس پنج وزیر قبلاً آماده گردیده است. به تاریخ 7 دسمبر 2009 شاروال کابل قبلاً به چهار سال زندان محکوم شد، زیرا او 16000 دالر را اختلاس کرده است.

همچنان نام وزیر معادن آقای ابراهیم عادل نیز درج همین لست می باشد. باید افزود که مبلغی را که او اختلاس کرده بسیار کلان است. آقای عادل حدود 30 ملیون دالر از کمپنی چینائی از درک واگذاری حق استخراج معدن مس عینک، رشوه اخذ نموده. این پول برای وی در دویی پرداخت شده است. هنوز معلوم نیست که آیا او در کابینه جدید باقی می ماند و یا نه؟

آقای عادل طی یک کنفرانس مطبوعاتی این ادعا را رد کرده و اسنادی را ارائه کرد که به گفته او گویا ثابت می کنند که

"چینائیا واقعاً قویترین آفر را در رابطه با پروژه مس عینک ارائه کرده اند. " عادل ادعا کرد که رشوه نگرفته، زیرا او "برای خوشبختی مردم خود" متعهد می باشد. افغانها می توانند امیدوار باشند که شاید روزی بتوانند از ثروت های هندوکش استفاده نمایند.

پایان